

یک نشان، دو تیر

کامبیز گیلانی

kambiz_gilani@web.de

در مورد جمهوری های اسلامی ایران و یهودی اسرائیل بطور مرتب صحبت می شود؛ و البته همیشه دو سر بحث وجود دارد، که هیچ یک از آنها، سر سوزنی از آنچه می گوید، کوتاه نمی آید. بطور مثال، همین مورد "از صفحه ی روزگار حذف کردن اسرائیل" را در نظر بگیریم. روشن است که شنیدن چنین جمله ای باعث ناراحتی مردم این کشور می شود. مردم هم با توجه به تهدیداتی از این دست، از خود واکنش نشان می دهند. واکنش نسبت به تهدیدی، که نه از سوی آدمی بی نام و نشان که بخاطر این یا آن حرکت "دفاعی اسرائیل"، به خشم آمده و به شکل بیان چند کلمه ی بی ضرر مطرح شده است، بلکه توسط گوینده ای، که با یک درجه تخفیف، بالاترین فرد اجرایی یک کشور است؛ آن هم از نوع اسلامی اش. بهترین حرکت مردم هم در این زمینه، این است که جریانی را انتخاب کنند که در مقابل این حملات، از کشور دفاع کند؛ یعنی، بهتر دفاع کند. چرا که ملت یهودی اسرائیل، با توجه به شواهد تاریخی، و تحمل رنجهای بسیار، از جمله تلفات بی شمارش در جنگ جهانی دوم، حق دارد در صلح و آرامش، و بدون هیچ گونه تهدیدی یا تحدیدی زندگی کند.

ملت ها، انسانهای ساکن یک کشور، حق دارند که در امنیت و رفاه زندگی کنند. از همین رو، مردم ایران و اسرائیل هم این حق را دارند. اما فهم این نکته برای عده ای به همین آسانی نیست. پرسشهایی مطرح می شود:

آیا برآستی حضور چنین کشوری، با توجه به شکل خاصی که بوجود آمده است، قابل قبول است؟ چه کسانی حق پاسخگویی به این پرسش را دارند؟

نقش مردمی که پیش از این، در آن سرزمین زندگی می کرده اند، یا نظر جامعه ی جهانی در این راستا چیست؟

نقش آمریکا و انگلیس در این شکل گیری چه بوده است؟

تکلیف مردم فلسطین و مبارزانشان چه می شود؟

مبارزاتی که پای بسیاری از مبارزان کشورهای دیگر را هم به آنجا باز کرده است. حماس چیست، از کجا بوجود آمده است و چه می خواهد؟

جمهوری اسلامی، در ایران چگونه بوجود آمده است و موضوع دشمنی اش با اسرائیل و نقش او در این ارتباط چیست؟

جنگ جهانی دوم و کشتار یهودیها در این ارتباط چه نقشی بازی کرده است؟

نقش یهودیهای قدرتمند خارج اسرائیل را چگونه باید ارزیابی کرد؟

جهان مسیحیت در کجای این بستر گام می بر می دارد؟

به این پرسش های به همین سادگی، به اندازه ی پنج دور، دور کره ی زمین، در چارچوب نظرات موافق و مخالف پاسخ داده شده است.

و روشن است که به هر طرف هم که بچرخیم، در صورتی که سرگیجه نگیریم و بتوانیم ببینیم، با جمالتی، مثل "دفاع از خود در مقابل دشمن" رو به رو می شویم.

دولتهای اسرائیلی، در چهارچوب قوانین مدنی، در داخل کشور، با رعایت اصول دموکراسی، کشور را اداره می کنند.

در خارج از کشور، سیاست دیگری را پیش می برند.

سیاستی که در راستای شعار "دفاع از خود"، خشونت در آن مجاز است و حد و مرز آن را هم جامعه ی جهانی تعیین نمی کند.

برای پیش برد این کار هم، از تمام نفوذشان استفاده می کنند؛ و تمام نیروهایشان را وارد میدان می کنند:

از اقتصاد تا فرهنگ، از جنگ تا سیاست و از علم تا مذهب، تمام عرصه ها را در می نوردند.

چرا که برای حفظ این کشور در مقابل دشمن، باید در همه ی جبهه ها فعال بود.

... اما آن یکی تیر رها شده که جمهوری اسلامی را بنیان گذاشته است، با شعار "دفاع مقدس" و مضامینی از این دست، بر خلاف تیر اول، حیطة ی داخلی را نشانه گرفته است. او هم تلاش می کند کشور را از دست ندهد؛ کشوری که خواسته های دیگری را پی گیری می کند.

خواسته هایی که آزادی را می شناسند و در پی بدست آوردنش هستند.

به همین دلیل مقاومت بوجود می آید؛ مقاومت، یعنی تلاش برای رسیدن به آزادی.

همان که در مورد اسرائیل، برای اسرائیلی ها در کشورشان وجود دارد.

درون همان کشوری که از نظر جمهوری اسلامی، غصبی است.

با این وجود، دولت های گوناگون این کشور، تمام تلاش خود را می کنند تا مردم خود را در رفاه نگهدارند، چرا که می دانند در صورتی که نتوانند این خواسته را برآورده کنند، مردم، عوضشان می کنند.

در مورد جمهوری اسلامی و دولتهای گوناگونش، رأی مردم همیشه بی ارزش بوده است. مردم از نظر این حکومت، کسانی هستند که دقیقاً خواسته های رهبر را اجابت می کنند. اینها مردم هستند: "امت همیشه در صحنه".

برای بقیه ی آدمها، اسارات، شکنجه، تجاوز و اعدام بطور منظم و برنامه ریزی شده، در دستور کار اداره ی کشور بوده است؛ آن هم در ارتباط با همه ی دولتهایش.

برای این تیر در حرکت هم، افکار عمومی جهان، تعیین کننده نیستند.

عدالت اجتماعی لگدمال شده، کشتی های مورد حمله قرار گرفته، تجاوز در تمامی ابعادش، جنایت آشکار، عوامفریبی، بمباران انسانی که هیچ راه گریزی ندارند، آوارگی به وسعت همه ی جهان و انسان در هم شکسته، نتایج حضور این دو تیر، دست کم، در این منطقه از جهان است.

به شکل های گوناگون، مردم جهان را هم، فریب می دهند.

از دین و مذهب، مرثیه می سازند و از سیاست، ریسمان و در اولین روزنامه ی خودی، مرگ را تولد جلوه می دهند و تو را وسوسه می کنند که بسویش بشتابی.

برای انسانهای کشورهای دیگر، تاسیس یک کشور بیشتر، هیچ رنجی بوجود نمی آورد. همانطور که فرقی نمی کند که شکل اداره ی آن جمهوری باشد یا سلطنتی، سوسیالیستی باشد یا مذهبی. برای مردم جهان مهم این است که از آن، درسی برای زندگی خود بگیرند. درسی که زندگی آنها را هم متحول کند.

در عمل اما، از سوی شعاع پرواز این دو تیر، پیام های نا امید کننده، تصویرهای غیر انسانی و خشونت و تنفر به جهان منتقل می شود. مردم جهان آنقدر در این زمینه شنیده اند، خوانده اند و دیده اند، و آنقدر امیدهایشان برای دیدن ثبات و آرامش در این مناطق، بر باد رفته است، که دیگر سعی می کنند از آن فاصله بگیرند.

خط فکری جهان را چنان آلوده کرده اند، که حتا آنها که نه در بوجود آمدن این حوادث نقشی داشته اند، نه توان دخالت در آن را، احساس شرم می کنند؛ شرمی برآمده از ناتوانی شان، در راستای تغییر این بی عدالتیها.

از سوی دیگر، گروهی دیگر با منفجر کردن خود و از بین بردن عده ای انسان دیگر، اینگونه پیام اعتراض خود را به جهان منتقل می کنند.

یکی از دمکراسی حرف می زند، اما از دو دریچه به جهان می نگرد. دیگری دمکراسی را کمرنگ و ناتوان معرفی می کند و عدالت راه خودش را بالاتر جلوه می دهد. و، در هر دو مورد، دیده ایم که بر انسانهای در ارتباط با هر دو، چه رفته است.

با این وجود، تردیدی نیست که مردم، وحدت همه ی انسانها، بویژه مردم ایران و اسرائیل بر این نشان، مهر باطل خواهند زد و این تیرها را متوقف خواهند کرد.

تردیدی نیست که بنام هیچ آیینی، مکتبی و دینی نمی توان اندیشه ی آزاد انسان پیشرو را محاصره کرد و به بند کشید.

و، تردیدی نیست که با مرگ و زنده باد گفتن های توخالی، نه کسی رفته و نه کسی آمده است.

راهکارهای مبارزه، متناسب با تحولات اجتماعی، تعیین می شوند.

اعمال حرکتیهای قهرآمیز، با وجودی که می تواند زورگو را به عقب نشینی وادار کند، اما وقتی به جواب می رسد، که به عنوان تنها راه موجود، مورد استفاده قرار گرفته باشد.

چرا که در آن صورت، حتا اگر آن حرکت شکست هم خورده باشد، انسان در آن چیزی از دست نداده است، که بعدها خود را در آن ارتباط سرزنش کند، یا ناخواسته باعث سد شدن مسیر پیروزی شده باشد.

مردم، گوشت دم توپ این اعتقاد و آن آدم نیستند که در ارتباط با هر حرکتی، از بین بروند.

جهان امروز برای پیشبرد اهداف سازنده، آماده ترست .

آمادگی ای که نه بخاطر محبت این یا آن دولت، به مردم اعطاء شده باشد، بلکه بخاطر پی گیری و مبارزه ی مردمی صورت گرفته است، که آزادی و عدالت اجتماعی را، بر سر همه ی کوچه و برزن های جهان فریاد کرده اند.